

فهرست

| | | |
|-----|--|----------------|
| ۹ | | |
| | پیش‌گفتار مترجم | |
| ۱۳ | بازداشت. گفت‌وگو با خانم گروباخ. و سپس فرولاین بورستتر | فصل یکم |
| ۴۱ | نخستین بازجویی | فصل دوم |
| ۵۷ | در سالن خالی جلسات. دانشجو. دبیرخانه‌ها | فصل سوم |
| ۷۹ | دوست فرولاین بورستتر | فصل چهارم |
| ۸۷ | کتک‌زن | فصل پنجم |
| ۹۵ | عمو. لنی | فصل ششم |
| ۱۱۵ | وکیل. کارخانه‌دار. نقاش | فصل هفتم |
| ۱۶۳ | بلوک بازرگان. برکناری وکیل | فصل هشتم |
| ۱۹۳ | در کلیسای جامع | فصل نهم |
| ۲۱۵ | پایان | فصل دهم |
| ۲۲۱ | | پیوست‌ها |
| ۲۲۳ | فصل‌های ناتمام | |
| ۲۴۵ | بخش‌هایی که نویسنده حذف کرده است | |
| ۲۵۱ | پس‌گفتارهای ماکس برود (حاوی وصیت‌نامه‌های کافکا) | |
| ۲۶۳ | | پس‌گفتار مترجم |

فصل یکم

بازداشت . گفت وگو با خانم گروباخ^۱ . و سپس فرولاین بورستتر^۲

بی شک کسی به یوزف کا.^۳ تهمت زده بود، زیرا بی آن که از او خطایی سر زده باشد، یک روز صبح بازداشت شد. از آشپز خانم گروباخ، صاحبخانه‌ی کا، که هر روز صبح حدود ساعت هشت صبحانه‌ی او را می آورد، این بار خبری نشد. چنین چیزی هرگز سابقه نداشت. کا. باز کمی منتظر ماند و از روی بالش خود چشمش به پیرزنی افتاد که روبه روی اتاقش زندگی می کرد و با کنجکاوی ای که تا آن زمان کسی از او سراغ نداشت به کا. چشم دوخته بود. ولی بعد متعجب و گرسنه زنگ زد. بلافاصله در زدند و مردی که کا. تا آن روز او را در این آپارتمان ندیده بود، به درون آمد. مرد باریک اندام و در عین حال قرص و محکم بود. لباسی تنگ و مشکی به تن داشت، چیزی شبیه به لباس مسافرها، مجهز به تعداد زیادی چین و جیب، سگک و دکمه و یک کمر بند، طوری که خیلی کاربردی به نظر می رسید، بی آن که دقیقاً معلوم باشد در چه زمینه‌ای. کا. پرسید: « شما کی هستید؟ » و بلافاصله بلند شد و توی تخت راست نشست. ولی مرد بی اعتنا به پرسش کا، طوری که انگار چاره‌ای جز تن دادن به حضور او وجود ندارد، به این بسنده کرد که به نوبه‌ی خود بپرسد: « شما زنگ زدید؟ » کا. گفت: « آنا^۴ باید صبحانه‌ی مرا بیاورد » و کوشید نخست بی سر و صدا به دقت فکر کند و ببیند این مرد چه کسی است. ولی مرد زمان زیادی در برابر نگاه کا.

1. Grubach

2. Fräulein (دوشیزه) Bürstner

3. Josef K.

4. Anna